

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۷ | ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰

زنان

سرویس اجتماعی ۹۰۸۸۴۹۸۴۴۰

جوان

۹۰

||| روزنامه جوان ||| شماره ۵۵۹۳



تمام تنش‌های مادران شاغل

مادران شاغل با ۲ فرزند ۴۰ درصد بیشتر استرس مزمن را تجربه می‌کنند

گزارش یک زهرآچیزی

یک چشمش به ماینیتور است و چشم دیگریش به ساعت. یک بخش از حواسش به حساب و کتاب مشترک باغذا دستشان پیسوزد یا شیرپر گاز باز بماند یا نکنند مریی مهد حین شیرد.دادن کودک شیرخوارشان دقت نکند و شیر به گلولی بچه بپرد.فکر و خیالش به اینجا که می‌رسد بدترین تصورات ممکن به ذهنش هجوم می‌آورد تا جایی که برای لحظاتی دستت از کار می‌کشد و به فکر فرو می‌رود. درست در همین لحظه‌هاست که با صدای یک همکار یا رئیسش به خود می‌آید و دوباره مشغول کار می‌شود اما هجوم استرس‌س‌های گوناگون درباره بچه‌ها و اوضاع و احوالشان تا زمانی که سر کار است او را رها نمی‌کند. هرچند این تنش‌ها را زنان شاغل به خوبی درک می‌کنند اما جدیدترین تحقیق درباره زنان شاغل نشان می‌دهد که مادران شاغل با دو فرزند ۴۰ درصد بیشتر استرس مزمن را تجربه می‌کنند! این بدین معناست که مادران شاغل ترجیح می‌دهند به داشتن یک یا دو فرزند اکتفا کنند و این برای کشوری همچون ایران به معنای دور ماندن از اهداف سیاست‌های جمعیتی و جوان نگه داشتن نمای جامعه‌است.

■ ■ ■

مادر بودن خودش یک شغل تمام‌وقت‌است. نه فقط از صبح تا شب بلکه خیلی وقت‌ها شبانه روز باید در خدمت خانواده بود و بی‌تردید می‌توان گفت این تنها شغلی‌است که هیچ‌گاه تعطیلی بردار نیست. با وجود این اما کم نیستند مادرانی که در کنار وظایف شبانه‌روزی مادری و در عین پرداختن به این شغل بدون تعطیلی و مزد اشتغال خارج از خانه را هم تجربه می‌کنند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند. این فعالیت‌ها در کنار نقش آفرینی به عنوان یک مادر استرس‌های فراوانی را به زنان شاغل تحمیل می‌کند که مطابق با پژوهش‌های انجام شده این استرس‌ها

گزارش دو کبری‌فرشچی

طبق ماده ۱۱۳۳ زوج می‌تواند هر زمان که اراده کرد با مراجعه به دادگاه همسر خود را طلاق دهد و در این خصوص اختیار مطلق دارد اما حالا معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور وارد میدان شده و اصلاحیه‌ای بر این بند قانونی تدارک دیده‌است. منظور که شهناز سجادی، دستیار ویژه حقوق شهروندی معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده تأکید می‌کند: «دلیل اصلی تقدیم این اصلاحیه به دولت، کمک به تحکیم بنیان خانواده است تا زوج نتوانند بدون دلیل و بر خلاف مصالح خانواده، همسر خود را به راحتی طلاق دهند و این اصلاحیه به نوعی منجر به کاهش آمار طلاق نیز خواهد شد.»

■ ■ ■

این نخستین باری نیست که بخش‌های مرتبط با طلاق در قانون مدنی در معرض اصلاح قرار می‌گیرد. پیش از انقلاب این تبصره قانونی چند باری مورد اصلاح قرار گرفته بود.

■ **اصلاحات یک بند جنجالی قانون مدنی**
قانونگذار در ماده ۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶/۳/۲۵ اجرای صیغه طلاق را موقوف به رسیدگی در دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش کرد و در ماده ۱۱ مواردی را که زن یا شوهر بر حسب مورد می‌توانند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم‌امکان سازش کنند، به شرح زیر برشمرد:
محکومیت زن یا شوهر به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر، ابتلا به هر گونه اعتیاد مضر، ازدواج مجدد زوج بدون رضایت زوج، ترک زندگی خانوادگی توسط هر یک از زوجین و محکومیت هر یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که مغایر حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد.
در سال ۱۳۵۳ هم قانون حمایت از خانواده در تاریخ ۱۳۵۳/۱/۱۵ تصویب شد. به موجب ماده ۸ این قانون در ۱۴ مورد زن یا شوهر حسب مورد می‌توانستند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کنند و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کرد. از جمله این موارد توافق زوجین، عدم تمکین زن از شوهر، جنون، سوء رفتار زوجین یا ابتلای یکی از زوجین به بیماری صعب‌العلاج بود.

با افزایش تعداد فرزندان ارتباط مستقیم دارد. به گونه‌ای که نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد مادران شاغل با دو فرزند ۴۰ درصد بیشتر استرس مزمن را تجربه می‌کنند. این تحقیق در British Sociological Association journal Sociology منتشر شده‌است.

■ **کاهش استرس مادران با کار نیمه‌وقت**

هنگامی که یک فرد استرس را برای یک دوره زمانی طولانی تجربه کرده باشد، چنین وضعیتی می‌تواند به عنوان «استرس مزمن» یا «استرس بلندمدت» تعریف شود.

بر اساس تعریف مؤسسه امریکایی استرس، نشانه‌های استرس مزمن شامل مواردی همچون زودرنجی، خشم و عصبانیت، افسردگی، سردرد و حالت تهوع می‌شود. مادرانی که دو فرزند دارند و در عین حال شاغل هم هستند میزان استرس بالاتری نسبت به بقیه دارند. این نتیجه منتشر شده جدیدترین تحقیق درباره مادران شاغل است. تبیی از محققان دانشگاه منچستر و دانشگاه اسسس داده‌های مربوط به بیش از ۶ هزار نفر را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. این تحقیق که البته در سطح کشور انگلیس انجام شده اطلاعات متنوعی از خانوارها جمع‌آوری کرده که شامل زندگی کاری ساکنان خانه، سطح هورمون آنها، فشار خون و تجربیاتشان درباره استرس می‌شود. در همین راستا محققان ۱۱ نشانگر زیستی مرتبط با استرس مزمن را در بین شرکت‌کنندگان این پروژه تحقیقی تشخیص داده‌اند. بر اساس یافته‌های آنها، میزان کلی نشانگرهای زیستی مرتبط با استرس مزمن در بین مادرهایی که دو فرزند دارند و البته به صورت تمام وقت شاغل هستند ۴۰ درصد بیشتر از خانم‌هایی است که فرزندی ندارند اما در عین حال شغل آنها هم تمام‌وقت‌است.

در همین راستا میزان کلی نشانگرهای زیستی مرتبط با استرس مزمن بین مادرهایی که یک فرزند دارند و البته کار تمام وقت انجام می‌دهند، ۱۸ درصد بیشتر است. همین تحقیق می‌گوید میزان استرس مادرانی

که دو فرزند دارند و ساعت‌های کمتری کار می‌کنند ۳۷ درصد کمتر از مادرانی است که ساعات کارشان غیر قابل تغییر و انعطاف‌است. همچنین میزان استرس مزمن در بین پدران شاغلی که ساعات کمتری کار می‌کنند هم کمتر می‌شود.

محققان حین انجام این مطالعه داده‌های خام را تغییر دادند تا از تأثیر دیگر فاکتورهای سبک زندگی این افراد بر نتیجه یافته‌ها جلوگیری کنند. این فاکتورها شامل مواردی همچون سن خانم‌ها، درآمد آنها، قومیت یا تحصیلاتشان می‌شود.

محققان می‌گویند مشاغل‌های خانوادگی__کاری با بالا رفتن میزان فشار روانی، سطح بالاتر استرس و میزان کمتر تندرستی افراد در ارتباط است.

والدین فرزندان جوان به خصوص در معرض خطر مشاغل‌های خانوادگی__کاری قرار دارند؛ شرایط کاری که در برابر خواسته‌های خانوادگی انعطافی ندارد، شرایطی که مثلاً شامل ساعات کاری طولانی می‌شود می‌تواند بر واکنش‌های استرسی فرد تأثیر بگذارد.

تکرار رویدادهای استرس‌زا که از ترکیب عوامل استرس‌زای محیطی و اجتماعی و همچنین وقایع روزمره زندگی بیرون می‌آید در نتیجه به استرس مزمن ختم می‌شود؛ استرس مزمنی که البته بر سلامت افراد تأثیر می‌گذارد.

■ **حمایت از مادران شاغل برای دستیابی به رشد جمعیت**
محققان می‌گویند ساعات کاری قابل انعطاف می‌تواند برای اطمینان از تحقق تعادل بین کار و زندگی فواید قابل توجهی داشته باشد. در برخی کشورها به خصوص کشورهایی که سیاست‌های افزایش جمعیت را دنبال می‌کنند برای کاهش تنش مادران شاغل تدابیری اندیشیده شده‌است. در انگلستان برای خانواده‌ای دارای فرزند حقوق هفتگی در نظر گرفته شده‌است. سیاست‌های این کشور، اختصاص ۵۲ هفته مرخصی زایمان برای زنان است که ۳۹ هفته آن با حقوق

است و ۶ هفته اول مرخصی با ۹۰ درصد حقوق است و مابقی آن، حداقل دستمزد.

در کشور روترز پیس از تولد هر کودک، پدر و مادر دو هفته مرخصی با حقوق دارند. پس از این مدت، آنها می‌توانند بین ۴۶ هفته مرخصی با حقوق کامل یا ۵۶ هفته مرخصی با ۸۰ درصد پرداختی که باید میان والدین تقسیم شود، یکی را انتخاب کنند. در ضمن دولت به یکی از والدینی که تصمیم دارند تا دو سالگی کودکشان در خانه بماند، کمک هزینه‌ویژهای پرداخت می‌کند. به همه اینها مراقبت‌های رایگان از کودک، دارو و درمان رایگان و حق اولاد در فیش حقوقی نیز اضافه می‌شود.

مادران فرانسوی در صورت بچه‌دار شدن ۱۶ هفته مرخصی با حقوق و مزایای کامل دارند که از شش هفته پیش از تولد کودکشان آغاز می‌شود.

پس از این دوره والدین می‌توانند به مرخصی سه‌ساله و بدون حقوق بروند و بعد از آن بدون هیچ محدودیتی به شغل قبلی‌شان بازگردند. در فرانسه خانواده‌ها در صورت داشتن فرزند سوم مبلغ ۱۰۰۰ یورو به شکل بازعوض دریافت می‌کنند. همچنین دولت تضمین می‌کند که مخارج تحصیل فرزندان خانواده‌ها؛ پیش‌دبستانی تا دانشگاه را تأمین کند. اگر خانواده‌ها به دلیل تولد فرزندشان خدمتکار استخدام کنند، دولت بخشی از این هزینه را می‌پردازد. از دیگر سیاست‌های افزایش جمعیت در کشور فرانسه می‌توان به اختصاص سبد کالا به خانواده‌ها اشاره کرد. دولت فرانسه، برای زنانی که تازه مادر شده‌اند، امکاناتی نظیر ویزیت مکانی دکتر یا بر خورداری از خدمات پرستاری در خانه فراهم می‌کند.

در برابر اینها اما سیاست‌های جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حمایت از فرزندآوری تاکنون اجرایی نشده‌است. زنان شاغل خیلی وقت‌ها ناگزیرند میان شغل و مادر شدن یکی را انتخاب کنند و در صورتی که بخواهند به کارشان ادامه دهند باید استرس‌های فراوانی را تجربه کنند.

روزنامه جوان

مریم زاهدی

برجسته‌سازی رسانه‌ای ماجرای «رها» و فراموشی ریشه‌ها!

ماجرای «رها» دختر ۱۱ ساله‌ای که در برابر مبلغ ۱۵ میلیون تومان به همسری مردی ۵۰ ساله درآمده بود به یکی از برجسته‌ترین اخبار هفته گذشته تبدیل شد. روایتی از دخترپریچه‌ای که به عقد مردی در جایگاه پدر یا حتی پدربزرگ خود درآمده بود اما این بار شانس یا «رها» بود و بهزیستی وارد ماجرا شد و توانست «رها» را از دست شوهری که ۴۰ سال از او بزرگ‌تر بود تحت پوشش خود دربیآورد. ماجرای ازدواج «رها» هر چند موردی استثنای است اما دستمایه خوبی برای اثبات خلأقانونی در اجبار به ازدواج به دست رسانه‌ها و طراحان طرح افزایش حداقل سن ازدواج داد. این بار افراد و رسانه‌ها با برجسته‌سازی این ماجرا تلاش کردند تا اثبات کنند طرح افزایش حداقل سن ازدواج برای رهایی دخترانی که به اندازه رهاخوش شانس نیستند امری لازم و ضروری است اما کمتر کسی می‌داند ریشه‌هایی که موجب می‌شود تا «رها» و دخترانی همچون او که در بند ازدواج‌های اجباری در سینی اینچنین پایین و گاه با مردانی چندین برابر سن خود هستند، چیست. آمار و ارقام رسمی سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد اینگونه از دواج‌ها در کشور ما عمومیت ندارد و کمتر پیش می‌آید خانواده‌ای حاضر شود دختر کم سن و سال خود را به مردی یا چندین برابر سن خود شوه دهد و اغلب از دواج‌های دختران در سنین پایین با پسروانی متناسب با خودشان است. اما اگر طراحان طرح افزایش سن ازدواج به راستی به دنبال کاستن از آمار از دواج‌های زیر ۱۳ سال هستند باید به دنبال دیدن ریشه‌های چنین ازدواج‌هایی باشند.

رها در عمل عروس مرد ۵۰ ساله نبود و خانواده او هم می‌دانستند قرار نیست دخترشان را به خانه بخت بفرستند. رها برای رهایی از فقر مادی و فرهنگی که خانواده‌اش را درگیر کرده بود به خانه مردی جای پدرش فرستاده شد و ۱۵ میلیون تومانی که پدر رها در ازای این ازدواج گرفت شاید می‌توانست زندگی بقیه اعضای خانواده را زیر و رو کند. طراحان طرح‌های افزایش حداقل سن ازدواج اگر به میان دخترانی از جنس «رها» بروند درمی‌یابند او و دخترانی شبیه او عروسک ندارند و شبیه دختران ۱۱ ساله‌ای نیستند که مامی شناسیم. آنها از همان زمانی که خود را شناخته‌اند با رنج و سختی و کار و تلاش گرفت‌ه‌اند و حجله عروسی‌شان هم شبیه دیگر نوجوسان نیست. حالا رها به‌بهزیستی سپرده شده اما به‌زیستی هم در بهترین حالت ممکن فقط هفت سال را مهمان خود می‌کند و بعد از ۱۸ سالگی رها هم مانند سایر دختران بی‌سرپرست باید سرپرست باید از به‌زیستی هم خداحافظی کند. باز رها خانواده‌ای دارد که احتمالاً دوباره او را بپذیرند اما بسیاری از این دختران بی‌هیچ پشتوانه‌ای رها می‌شوند. اصلی‌ترین مرئیه زندگی رها «فقر مالی» و سپس «فقر فرهنگی» است که در سایه یکدیگر شکل می‌گیرند. شاید بتوان با حذف تبصره‌ای که ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال قانونی می‌کند بخشی از مشکلات حقوقی ماجرا را حل کرد اما نکته اصلی اینجاست پدری که دخترش را در برابر ۱۵ میلیون تومان به ازدواج مردی میانسال درمی‌آورد و مردی میانسال که با وجود داشتن هفت فرزند و بی‌توجه به سن و سالش برای ازدواج با دختری به سن و سال فرزند یا نواش اقدام می‌کند چندان پایبند به قانون نیستند و برای رسمی کردن و ثبت چنین ازدواجی اقدام نمی‌کنند که حالا با تغییر قانون کردی از رها و امثال رها در مان شود. در این زمینه با دو مشکل فرهنگی و حقوقی مواجه هستیم که باید هم‌زمان به هر دو توجه کنیم. چراکه اگر نسبت به مشکل فرهنگی بی‌توجه باشیم صرفاً مشکل قانونی را حل کنیم ممکن است این نوع ازدواج رواج یابد و به صورت پنهان تر انجام شود.

نگاه یکانه شریعت



نمودی از رویش‌های انقلاب در «شبی که ماه کامل شد»

«شبی که ماه کامل شد» تنها حکایت تکامل یک کارگردان زن در عرصه سینمای حرفه‌ای نیست بلکه حکایت بلوغ شخصیت «زن» در عرصه فرهنگ و هنر در دوره بلوغ و بالندگی انقلابی است که به زنان میدان داد تا در رفیع‌ترین قله‌های پیشرفت حقیقی بدرخشند. رکورداری فیلم یک کارگردان زن در جشنواره فیلم فجر تنها از بعد فرهنگ و سینما قابل تحلیل نیست بلکه ادعای اجتماعی این ماجرا بسیار فراتر از سیمرغ‌هایی است که بر دوش آبیار و عوامل فیلم «شبی که ماه کامل شد» نشست.

نرگس آبیار تنها یکی از رویش‌های انقلاب است؛ زنی که نشان داد زن مسلمان ایرانی در عرصه فرهنگ و هنر و سینما چگونه می‌تواند بدرخشد و تحول آفرین باشد. «شیار ۱۴۳» آبیار باب تازه‌ای را در عرصه سینمای دفاع مقدس باز کرد و «شبی که ماه کامل شد» نمادی از آغازی تازه و درخشان برای زنان ایرانی و انقلابی در عرصه‌های گوناگون است.

ارزش سیمرغ‌های نشسته بر دوش عوامل فیلم «شبی که ماه کامل شد» را زمانی می‌توان بهتر درک کرد که «زن» در سینمای بعد از انقلاب و به خصوص «زن» در سینمای دوران بلوغ و بالندگی و دهه چهارم انقلاب را با «زن» در سینمای قبل از انقلاب مقایسه کنیم تا بهتر در پاییه‌ی الگوی «زن نه شرقی نه غربی» که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند چگونه در عرصه‌های گوناگون قابل تحقق است. «زن» در سینمای انقلابی و آنچه آبیار در فیلم «شیار ۱۴۳» کوشید آن را محقق سازد نه ابزاری است برای بهتر دیده شدن فیلم مجتبان که هنوز هم به عنوان ردیایی از چنین نگاهی به زن را در برخی آثار سخیف سینمایی دید و نه با نگاهی فمینیستی می‌کوشد تا شعار نخبم‌ای «برابری جنسیتی» سر دهد. زن در سینمای آبیار به عنوان یکی از رویش‌های انقلاب در جایگاه فطری و اصلی خودش نقش آفرینی می‌کند. درست همان نقش آفرینی‌هایی که برای تمام ما ماعم از زن و مرد ملموس است و طی زندگی خودمان هم این نقش‌ها را بازی کرده و هم از نزدیک در معرض آنها قرار گرفته‌ایم.

«زن» در سینمای آبیار در غالب نقش‌های فمینیستی نمی‌نجد. تمرکز وی روی نمایش «مادری» زن‌انی است که این بار با زاویه دوربین زوایای کمتر مورد توجه قرار گرفته این «مادری» به نمایش گذاشته می‌شود تا به مخاطب تأکید کند که «زن» تنها وقتی بهتر دیده می‌شود که در نقش خودش بازی کند؛ مادر باشد، خواهر باشد یا همسر و درخشش زنان در همین نقش‌هاست که خودنمایی می‌کند و این ویژگی مهم آبیار را از سایر کارگردانان زن کشورمان مستثنی می‌سازد. به گونه‌ای که اگر سایر کارگردانان زن سینمای ایران در مضمون به دنبال نشان دادن توانایی و حقانیت زنان هستند، آبیار با پروژه‌هایی که انتخاب می‌کند و کارگردانی صحنه‌های سنگین و دشوار و پر زحمات به دنبال اثبات این حقانیت است و در فیلم «شبی که ماه کامل شد» آبیار نشان داد شجاعت و جسارتش را دارد که به سراغ سوزه‌هایی برود که تنها برخی از مردان سینمای ایران به سراغ آن رفته‌اند. آبیار بی‌شک یکی از رویش‌های سینمای انقلاب است؛ کارگردان زنی که دغدغه‌اش «زن» هستند اما جنس دغدغه‌هایش با جنس دغدغه‌های سینماگرانی همچون «رخسان بنی‌اعتماد» و «هنیه‌میلانی» متفاوت است؛ انگار جنس دغدغه‌های او به دغدغه‌های عمومی جامعه و به خصوص جامعه زنان نزدیک‌تر به نظر می‌رسد.